



## Analysis and Examination of the Narration “Al-‘Ayn Ḥaqq” in the Sources of Islamic Denominations

Esmail Esbati<sup>1</sup> 

1. Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Theology and Islamic Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: [esbati@atu.ac.ir](mailto:esbati@atu.ac.ir)

### Abstract

Belief in the harmful effect of a glance inspired by astonishment or envy, commonly referred to as the "evil eye", is a widespread phenomenon across various human societies. Nevertheless, some have long regarded this belief as superstitious. Muslim scholars, by relying upon transmitted reports (ahādīth), have considered it an authentic doctrine; however, the narrations in this field have never been the subject of an independent scholarly study. Numerous narrations regarding the legitimacy of the evil eye and methods for confronting it are recorded in the sources of both religious denominations. One of the foundational expressions in these narrations is the phrase "al-‘ayn ḥaqq" (al-‘ayn ḥaqq). This article, using a descriptive-analytical method, attempts to trace such narrations, critically evaluate their texts and chains of transmission (isnād), and determine their level of reliability. According to the findings of this research, the expression "al-‘ayn ḥaqq" appears primarily and predominantly in Sunni sources, from which it gradually entered Shiite compilations. The primary Sunni sources have documented these narrations, and they have been accepted by Sunni scholars. Of the thirteen narrations reported on this topic, four are transmitted via Abū Hurayrah, two are attributed to Ibn ‘Abbās, and two are attributed to ‘Ā’ishah. Nevertheless, a critical evaluation of the chains of transmission reveals that the majority of these narrations are weak in terms of isnād, and only one narration can be regarded as credible, provided the Sunni standards of authentication (tawhīqāt) are accepted.

**Keywords:** Evil Eye, Sunni Hadith, Shiite Hadith, Al-‘ayn Ḥaqq, Hadith Criticism.

**Cite this article:** Esbati, E. (2025). Analysis and Examination of the Narration “Al-‘Ayn Ḥaqq” in the Sources of Islamic Denominations. *Quranic Researches and Tradition*, 58 (1), 25-47. (in Persian)

**Publisher:** University of Tehran Press.

Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2025.388887.670430>

**Article Type:** Research Paper

**Received:** 3-Feb-2025

**Received in revised form:** 22-Apr-2025

**Accepted:** 30-Jun-2025

**Published online:** 6-Oct-2025



پروژه کتابخانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## تحلیل و بررسی روایت «العین حق» در منابع فریقین

### اسماعیل اثباتی<sup>۱</sup>

۱. استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.  
ایمانامه: [esbati@atu.ac.ir](mailto:esbati@atu.ac.ir)

### چکیده

باور به اثر سوء نگاه از روی تعجب یا حسادت، که از آن با عنوان چشم‌زخم یاد می‌شود از باورهای فراگیر در جوامع مختلف بشری است؛ با این وصف از دیرباز برخی آن را باوری خرافی دانسته‌اند. اندیشمندان مسلمان با استناد به روایات آن را باوری اصیل دانسته‌اند اما روایات این حوزه هرگز موضوع بحث علمی مستقل نبوده‌است. روایات متعددی در منابع فریقین درباره حقیقت چشم زخم و روشهای مقابله با آن ثبت شده‌است. یکی از بنیادی‌ترین تعابیر در این روایات عبارت «العین حق» است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی می‌کوشد روایات این موضوع را ردیابی کرده، از نظر متنی و سندی بررسی شده و میزان اعتبار آنها را مشخص کند. بر اساس پژوهش صورت گرفته تعبیر «العین حق» بیش و پیش از همه در منابع اهل سنت وارد شده و از این طریق به تدریج وارد منابع شیعی شده‌است. منابع دست اول اهل سنت این روایات را ثبت کرده‌اند و از نگاه اهل سنت پذیرفته شده‌اند. از ۱۳ روایت نقل شده در این موضوع، ۴ روایت از طریق ابوهریره نقل شده‌است، ۲ روایت به ابن عباس و ۲ روایت به عایشه منتسب شده‌است. با این حال بررسی سندی روایات این موضوع نشان می‌دهد که بیشتر روایات این مضمون از نظر سندی ضعیف‌اند و تنها یک روایت وجود دارد که در صورت پذیرش توثیقات اهل سنت، موثق تلقی می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** چشم‌زخم، احادیث اهل سنت، احادیث شیعه، العین حق، نقد حدیث.

**استناد:** اثباتی، اسماعیل (۱۴۰۴). تحلیل و بررسی روایت «العین حق» در منابع فریقین. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۸ (۱)، ۲۵-۴۷.

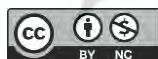
نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2025.388887.670430>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**مقدمه**

باور به اثر وضعی خاص موجود در برخی از نگاهها که از آن به عنوان «چشم زخم» تعبیر می‌شود از باورهای کهن است که در درازنای تاریخ و پهنه وسیع جغرافیایی همواره باورمندان و مدافعان بسیاری داشته‌است (داندس، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۷). منابع اسلامی حکایت از آن دارد که از سده‌های نخستین این اندیشه با مخالفانی نیز مواجه بوده‌است که آن را باوری عامیانه و خرافی دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۹: ج ۶: ۱۶۷) (هر چند بیشتر اندیشمندان مسلمان این باور را پذیرفته‌اند (فخر رازی، بی‌تا: ج ۳: ۱۰۰؛ طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۹: ۳۸۸). در عصر حاضر نیز همچنان این دو نظر هوادارانی دارند. برخی مستشرقان با مطالعه در فرهنگ جاهلی از یک سو و نظر به روایات و متون اسلامی از سوی دیگر، به این نتیجه رسیده‌اند که «باور پیامبر به چشم بد میراثی از نیاکان عربی او بود که با اقوام سامی دیگر در این باور سهیم بودند» (وستر مارک، ۱۳۹۶: ۹۶) بر این اساس آنها از سویی باور به چشم بد را باوری خرافه دانسته و از سویی پیامبر (ص) را همراه با سایر مردمان عصر خویش از باورمندان به این موضوع قلمداد کرده‌اند. دیدگاهی که نمی‌تواند از نگاه مسلمانان پذیرفته شود چون اگر باور به چشم زخم را باوری بی‌پایه و مبتنی بر خرافات بدانیم در این صورت نمی‌توانیم بپذیریم که پیامبر (ص) این باور را پذیرفته باشد. از سویی روایات فراوانی در منابع فریقین از این باور دفاع کرده‌اند. به نظر می‌رسد برای داوری در این زمینه ابتدا باید موضوع به درستی تبیین شود. طبیعتاً بخش مهمی از موضوع در گرو تحلیل روایات فریقین در این باره است. روایات مرتبط به چشم زخم گونه‌های متعددی دارند. یکی از مهمترین گونه‌ها، روایاتی است که با عبارت «العین حق» به صراحت از باور به چشم زخم دفاع کرده‌است. این نوشتار تلاشی است برای جمع‌آوری، دسته‌بندی، تحلیل و بررسی این دسته از روایات تا مشخص شود این دسته از روایات از نظر متنی و سندی چه وضعیتی دارند و آیا می‌توان صدور این دسته از روایات را به معصومین منتسب کرد یا باید در انتساب آنها تشکیک کرد.

**۱. پیشینه تحقیق**

بیشتر پژوهش‌های غربیان از زاویه روان‌شناسی، مردم‌شناسی، هنر و فرهنگ عامه به مسئله چشم زخم پرداخته‌است (داندس، ۱۳۹۹: ۲۸۴-۲۸۶) اندیشمندان مسلمان از دیر باز در منابع تفسیری (به عنوان نمونه در تفسیر آیات ۶۷ سوره یوسف؛ ۵۱ و ۵۲ سوره قلم، و تفسیر سوره ناس و فلق) و روایی (به عنوان نمونه: متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۶: ۷۴۴-۷۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۰: ۱-۲۷) به صورت گذرا به این مساله نظر داشته‌اند.

روایات مربوط به چشم زخم در منابع اهل سنت به وفور یافت می‌شوند و محدثان از قرون اولیه در منابع روایی خود ابواب جداگانه‌ای را به این روایات اختصاص داده‌اند. آنها معمولاً یک باب را به حقانیت چشم زخم و یک باب را به تعویذهای چشم زخم اختصاص داده‌اند (برای نمونه رک: بخاری، ۱۴۰۱:

ج ۷: ۲۳-۲۴. مسلم، بی تا: ج ۷: ۱۳-۱۹. ابن ماجه، بی تا: ج ۲: ۱۱۵۹-۱۱۶۲) در منابع متاخر و کتابهای روایات طبی این موضوع با تفصیل بیشتر آمده است (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۶: ۷۴۴-۷۴۶؛ ابن قیم، بی تا: ۱۲۷-۱۳۶)

محدثان نخستین شیعه اهتمام چندانی به روایات چشم زخم نداشته و باب جداگانه ای برای آن اختصاص نداده اند. روایات این موضوع در آثار شیخ کلینی (۱۳۶۳: ج ۲: ۵۶۹)، شیخ صدوق (بی تا: ج ۱: ۴۷۰) و شیخ طوسی به ندرت و ذیل موضوعات دیگر آمده است. طب الائمه (ع) نخستین اثری است که ابوابی را به این موضوع اختصاص داده است (ابن بسطام، ۱۴۱۱: ۱۲۱، ۱۳۳ و ۱۴۰) روشی که توسط طبرسی در مکارم الاخلاق (۱۳۹۲: ۳۸۶)، ابن طاووس (۱۴۰۹: ۸۵) و دیگر دعا نگاران دنبال شد تا اینکه در منابع متاخر حدیثی، مجلسی بابتی با عنوان «تأثیر السحر والعین و حقیقتهما...» فراهم ساخت و علاوه بر روایات اقوال و تحلیل‌های مربوط به چشم زخم را نیز گزارش و تحلیل کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۰: ۱-۲۷، همو، ۱۴۰۴: ج ۱۰: ۱۶۵)

در سالهای اخیر توجه به این مساله بیشتر شده است. مقالات متعددی مبنای قرآنی باور به چشم زخم را مورد بررسی قرار داده اند (به عنوان نمونه نک: اثباتی، اسماعیل، بررسی مبنای قرآنی اعتقاد به چشم زخم، علوم قرآن و حدیث، ۱۴۰۲، دوره ۵۵ (پیاپی ۱۱۱) صص ۹-۳۵؛ همو، واکاوی مبنای نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَ اِنْ يَكَادُ» برای دفع چشم زخم، پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۴۰۲، دوره ۱۴ (پیاپی ۵۵) صص ۱۸۱-۲۱۳؛ قربانی لاکتراشانی، فاطمه و حلیمی جلودار، حبیب الله؛ «اعتبار سنجی روایت حسن بصری در کار آمدی آیه و ان یکاد در دفع چشم زخم». حدیث پژوهی. بهار و تابستان ۱۳۹۹؛ کلانتری، علی اکبر. «بررسی تفسیری ارتباط آیه و ان یکاد و مساله چشم زخم». مطالعات تفسیری. تابستان ۱۳۹۷) اصغر کریمی رکن آباد اهتمام خود را بر «آسیب شناسی پدیده چشم زخم در جامعه اسلامی در پرتو آیات قرآن» قرار داده است (کتاب قیم، ۱۳۹۴: شماره ۱۳: ۷۳-۹۲).

برخی از پژوهشها همزمان به آیات قرآن و روایات این حوزه توجه داشته اند. مهدی اکبر نژاد و روح الله محمدی در مقاله «کنکاشی در مقوله شورچشمی (چشم زخم) در قرآن و روایات» (تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۳۸۸: سال ششم، شماره دوم: ۶۷-۹۰) با نگاه جدی تری به مساله پرداخته اند اما مجال اندک بحث در حد یک مقاله درباره ماهیت چشم زخم و آیات و روایات مربوط به آن، زمینه را برای بحث مفصل درباره موضوع سلب کرده است. مقاله «بازشناسی حقایق چشم زخم از منظر قرآن، روایات و دانش پزشکی» اثر روح الله علی نژاد عمران (مجله قرآن و طب، ۱۳۹۹: شماره ۳) نیز گرفتار این آسیب است. علیرضا ملاحسنی نیز در کتاب «چشم زخم در قرآن، روایات، تاریخ و فرهنگ» روایات را بدون بررسی و از منابع متاخر نقل کرده است.

برخی از پژوهشها تمرکز بیشتری بر روایات این حوزه داشته اند که از آن جمله می توان به مقاله «بررسی و تحلیل روشهای مقابله با چشم زخم در روایات شیعه» (اثباتی، اسماعیل، ۱۴۰۳: فصلنامه دعاپژوهی، شماره ۶: ۱۱۱-۱۴۵) و مقاله «بررسی مبنای روایی باور به چشم زخم در روایات

شیعه» (اثباتی، اسماعیل، ۱۴۰۴: فصلنامه علوم حدیث، شماره (۱۱۵): ۱۲۳-۱۵۱) اشاره کرد. اما پژوهشی که روایات حقانیت چشم زخم را در منابع شیعه و اهل سنت بررسی کرده و آنها را با هم مقایسه کرده باشد یافت نشد.

## ۲. روش‌شناسی پژوهش

در این نوشتار به منابع اصلی روایات مراجعه کرده و کهن‌ترین منبع و سندهای متعدد هر روایت بررسی می‌شود. از آنجا که روایات شیعی در پژوهشی مستقل به تفصیل بررسی شده‌اند (ن ک: اثباتی، اسماعیل، ۱۴۰۴: «بررسی مبانی روایی باور به چشم زخم در روایات شیعه» فصلنامه علوم حدیث، دوره ۳۰: ۱۲۳-۱۵۱) در این نوشتار تمرکز اصلی بر روایات اهل سنت است و برای نشان دادن تأثیر و تأثر آنها به روایات شیعی هم اشاره شده‌است.

داورهای رجالی درباره روایات اهل سنت بیشتر بر اساس منابع اهل سنت صورت گرفته‌است اما در مواردی که دیدگاه شیعیان با اهل سنت متفاوت باشد به صورت طبیعی دیدگاه شیعه مورد توجه قرار گرفته‌است چون هدف از نوشتار تبیین حقیقت است و نه احتجاج با اهل سنت، به عنوان نمونه با توجه به اینکه از نگاه اهل سنت صحابه همگی عادل هستند و نیازمند بررسی رجالی نیستند در منابع اهل سنت به توثیق یا تضعیف آنها پرداخته نشده‌است اما از نگاه شیعیان نظریه عدالت صحابه پذیرفته نیست و صحابه نیز مانند سایر روایان نیازمند اعتبار سنجی هستند به همین دلیل اظهار نظرهای صورت گرفته درباره صحابه الزما مستند به منابع اهل سنت و موافق دیدگاههای آنها نخواهد بود. طبیعی است که تنها به استناد این پژوهش نمی‌توان درباره این باور و ارتباط آن با تعالیم اسلامی قضاوت کرد و این مقاله تنها عهده‌دار تبیین گوشه‌ای از این موضوع خواهد بود.

## ۳. گونه‌شناسی و اعتبار سنجی روایات «العین حق»

برخی از منابع روایی اهل سنت مانند بخاری روایات مربوط به چشم زخم را در دو باب جداگانه حقانیت چشم زخم و رقیه‌ها و تعویذهای مربوط به چشم زخم آورده‌اند (بخاری، ۱۴۰۱: ج ۷: ۲۳-۲۴) این تقسیم‌بندی در همه کتابها رعایت نشده اما پیوسته یکی از مهمترین موضوعات مطرح شده در روایات چشم زخم، حقانیت آن بوده‌است. روایات این موضوع را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد.

### ۳-۱. چشم حق است.

سالم بن عبد الله بن عمر گوید وقتی که پسر ابوهریره بیمار شد از من خواستند که برای او رقیه بنویسم. رفتم ولی می‌ترسیدم که ابوهریره آن را خوش نداشته باشد اما گفتم بنویس چون از پیامبر شنیدم که فرمود: چشم حق است.

أخبرنا ... عمرو بن شعيب أخبرني منيح ابن صهيب عن سالم بن عمر قال أبو زرعة هو سالم بن عبد الله بن عمر قال اشتكى محزّر بن أبي هريرة فدعيت إليه لأرقيه قال فذهبت وأنا متخوف أنا يكره ذلك أبو هريرة قال فقال لي ارقه فإني سمعت رسول الله (صلى الله عليه وسلم) يقول العین حق (ابن عساکر: ج ۵۷: ۷۸)

احتمالا به خاطر نهی پیامبر، سالم فکر می کرد ابوهریره مخالف استفاده از رقیه است. عبد الرزاق از معمر از زهری نقل کرده که وقتی پیامبر (ص) به مدینه رفت مردم از رقیه‌هایی استفاده می کردند که شرک آلود بود پس پیامبر از رقیه نهی کرد. پس از اینکه یکی از اصحاب دچار مارگزیدگی شد پیامبر فرمود آیا رقیه نویسی نیست که برای او رقیه بنویسد؟ مردی گفت من رقیه تهیه می کردم ولی وقتی از آن نهی کردید این کار را رها کردم. فرمود رقیه ات را بر من عرضه کن. بر او عرضه کردم و در آن اشکالی ندید و اجازه داد از آن استفاده کنم. (صنعانی، بی تا: ج ۱۱: ۱۶)

منیح بن صهیب در منابع رجالی و حدیثی شناخته شده نیست و نامش جز در همین کتاب و روایت نیامده است. بر این اساس سند روایت ضعیف است.

ابوهریره از نگاه اهل سنت به واسطه صحابی بودن عادل شمرده می شود اما از نگاه شیعیان فردی کذاب و غیر قابل اعتماد است (نک: شرف الدین موسوی، ۱۳۷۷: سرتاسر اثر) بر این اساس سند روایت ضعیف است.

### ۲-۳. چشم زخم و خالکوبی

ابوهریره از پیامبر نقل کرده که چشم زخم حق است و از خالکوبی نهی کرد.

أخبرنا عبد الرزاق عن معمر عن همام بن منبه عن أبي هريرة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: العین حق، ونهی عن الوشم (صنعانی، بی تا: ج ۱۱: ۱۸)

ابن حنبل، بخاری و مسلم از عبدالرزاق با همین سند روایت را نقل کرده اند (ابن حنبل، بی تا: ج ۲: ۳۱۹، بخاری: ج ۷: ۲۴ و ۶۴. مسلم، بی تا: ج ۷: ۱۳) این روایات در ضمن مجموعه روایات ابوهریره بوده که همام گزارش کرده است. در گزارش ابو داود از این روایت که آن را از ابن حنبل از عبدالرزاق با همین سند نقل کرده بخش دوم حدیث نیامده است و تنها عبارت «العین حق» آمده است (ابوداود، ۱۴۱۰: ج ۲: ۲۲۴)

بررسی سندی: معمر بن راشد بصری (۱۵۳ یا ۱۵۴) از نظر رجالیان اهل سنت توثیق شده است. (مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۸: ۳۰۳-۳۱۱) همام بن منبه (۱۳۱ یا ۱۳۲ق) برادر وهب بن منبه و از یمنی های ایرانی الاصل بود که از ابوهریره و معاویه حدیث روایت می کرد (بخاری، بی تا: ج ۸: ۲۳۶) گرایشات اموی او از برخی گزارشاتش مشهود است (همان: ج ۷: ۳۲۷) همام بن منبه در مدینه با ابوهریره همنشین شد و روایات متعددی از او شنید. نزدیک به ۱۴۰ حدیث با سند یکسان نقل شده که در کتابها

پراکنده و تقطیع شده است و در میان آنها چیزهایی یافت می‌شود که جزء احادیث نیست (مزی، ۱۴۰۶: ج ۳۰: ۳۰۰) همام بن منبه از ابوهریره نقل کرده که هیچ کسی بیش از من روایت نقل نکرده جز این عمر، او می‌نوشت ولی من از حفظ نقل می‌کردم (عقیلی، ۱۴۱۸: ج ۳: ۸۳)

برخی اسرائیلیات و روایات ضعیف و غیر قابل قبول از معمر از همام از ابوهریره نقل شده است (نک: ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۶۱: ۱۷۰، صنعانی، بی‌تا: ج ۴: ۴۵۰: ج ۱۰: ۳۸۴، ج ۱۱: ۱۱۳، ابن نجار، ۱۴۱۷: ج ۲: ۷۹) این گزارشها اعتماد به این سند را از بین می‌برد افزون بر این، سند روایت به واسطه وجود ابوهریره ضعیف شمرده می‌شود.

### ۳-۳. چشم، شیطان و حسادت

ابوهریره از پیامبر روایت کرده که چشم حق است، شیطان و حسد آدمی آن را همراهی می‌کند.

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا ابن نمير قال ثنا ثور يعني ابن يزيد عن مكحول عن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم العين حق ويحضر بها الشيطان وحسد ابن آدم (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۲: ۴۳۹)

طبرانی با اسناد خود از عیسی بن یونس و عبد الله بن نمیر از ثور از مکحول از ابوهریره این روایت را با اندکی تفاوت نقل کرده است (طبرانی، ۱۴۱۷: ج ۱: ۲۶۵ و ۴: ۳۳۰)

هیثمی تنها بخش «العين حق» را صحیح دانسته هرچند راویان حدیث در کتاب ابن حنبل را تصحیح کرده است (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۵: ۱۰۷)

ثور بن یزید قدری مسلک بود و به همین دلیل او را اخراج کرده و خانه اش را به آتش کشیدند هرچند از نظر حدیثی بر او خرده نگرفته و او را صحیح الحدیث دانسته‌اند (ذهبی، ۱۳۸۲: ج ۱: ۳۷۱)

ذهبی روایات مکحول از ابوهریره را منقطع می‌دانست (کنانی، بی‌تا: ج ۲: ۱۹۲)

سند روایت علاوه بر وجود ابوهریره به خاطر مکحول نیز ضعیف است.

### ۳-۴. فال بد و چشم بد

برخی از روایات فال بد را بی‌پایه دانسته و همزمان چشم بد را واقعی دانسته‌اند. در نهج البلاغه چنین آمده:

الْعَيْنُ حَقٌّ وَالرُّقْيُ حَقٌّ وَالسَّحَرُ حَقٌّ وَالْقَالَ حَقٌّ وَالطَّيْرَةَ لَيْسَتْ بِحَقٍّ وَالْعَدْوَى لَيْسَتْ بِحَقٍّ  
وَالطَّيْبُ نُشْرَةٌ وَالْعَسَلُ نُشْرَةٌ وَالرُّكُوبُ نُشْرَةٌ وَالنَّظْرُ إِلَى الْخَضِرَةِ نُشْرَةٌ. (سید رضی، ۱۳۸۷،

این روایت به این صورت در هیچ یک از منابع شیعه و اهل سنت یافت نشد. شبیه این مضمون در کتاب جعفریات از قول رسول خدا (ص) آمده است: «لا عدوی، ولا طیرة<sup>۱</sup>، ولا هام والعین حق، والغال<sup>۲</sup> حق» (محمد بن اشعث کوفی، بی تا: ۱۶۸) این کتاب منتسب به اسماعیل بن موسی بن جعفر (ع) است و درباره اعتبار این کتاب اختلاف نظر وجود دارد و صاحب جواهر آن را معتبر نمی داند ولی میرزای نوری بر آن اعتماد کرده است (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱: ۱۵).

قاضی نعمان مغربی بدون ارائه سند این روایت را منتسب به پیامبر (ص) کرده است:

لا عدوی ولا طیرة ولا هام، والعین حق والغال حق، فإذا نظر أحدکم إلى إنسان أو إلى دابة أو إلى شیء حسن فأعجبه فلیقل: أمنت بالله وصلى الله على محمد وآله، فإنه لا تضر عینه (نعمان مغربی، ۱۹۶۳: ج ۲: ۱۴۱).

دیگران نیز معمولاً از این دو منبع نقل کرده اند (نوری، ۱۴۰۸: ج ۸: ۲۷۸) بر این اساس این روایات فاقد سند بوده و قابل اعتماد نیستند اما روایات مشابه این حدیث در منابع اهل سنت نقل شده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۵۸: ۲۷۷)

### روایت اول

... عن المضارب بن حرب قال: قلت لأبي هريرة: أسمعت من نبيك شيئاً فحدثني، قال: نعم، قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: لا عدوی ولا طیرة ولا هامة، وخیر الطیرة الغال، والعین حق (ابن ابی شیبیه: ج ۶: ۲۲۴؛ همچنین نک: ابن حنبل، بی تا: ج ۲: ۴۸۷، ابن عساکر: ج ۵۸: ۲۷۷-۲۷۸)

در گزارش ابن ماجه از ابن ابی شیبیه تنها عبارت «العین حق» آمده است. (ابن ماجه، بی تا: ج ۲:

۱۱۵۹)

### روایت دوم

... ابن وهب قال حدثني معروف بن سويد الجذامي أنه سمع علي بن رباح يقول سمعت أبا هريرة يقول قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا عدوی ولا طیرة والعین حق (احمد بن حنبل: ج ۲: ۴۲۰)

طبرانی درباره این روایت می نویسد: «این روایات جز معروف بن سويد کسی از علي بن رباح نقل نکرده است و ابن وهب در نقل آن متفرد است» (طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۶: ۳۲۵)

<sup>۱</sup>. طیّره، فال بد زدن و شوم پنداشتن چیزی است و عربها گاهی با دیدن چیزی آن را شوم می پنداشتند شریعت آن را نهی کرده و در روایت آمده که به آن توجه نکن و کارت را دامه بده. ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج ۳: ۱۵۲.

<sup>۲</sup>. فال خوب ناشی از حسن ظن به خدا و فال بد (تظیر) ناشی از سوء ظن به خداست. ابن اثیر، النهایه، ۱۳۶۴: ج ۳: ۴۰۵.

## روایت سوم

.... قال سئل أبو هريرة سمعت من رسول الله صلى الله عليه وسلم الطيرة في ثلاث في المسكن والفرس والمرأة قال قلت إذا أقول على رسول الله صلى الله عليه وسلم (ما لم يقل ولكني سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم) يقول أصدق الطيرة الفأل والعين حق (ابن حنبل، بی تا: ج ۲: ۲۸۹ در مسند احمد افتادگی وجود داشت که با استفاده از نقل ابن کثیر از احمد تصحیح شد. (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۴: ۴۳۸)

طبرانی نقل کرده که دو نفر بر عایشه وارد شده و گفتند ابوهیره از پیامبر نقل می کند که شومی در زن، خانه و اسب است. عایشه به شدت ناراحت شد و گفت پیامبر فرمود اهل جاهلیت چنین می پنداشتند که شومی در این سه چیز است (طبرانی، ۱۴۱۷: ج ۴: ۵۰)

## روایت چهارم

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا قتيبة ثنا رشدين بن سعد عن الحسن بن ثوبان عن هشام بن أبي رقية عن عبد الله بن عمرو بن العاصي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا عدوى ولا طيرة ولا هامة ولا حسد والعين حق (ابن حنبل، بی تا: ج ۲: ۲۲۲)

همیشگی این روایت را به واسطه وجود رشدین بن سعد ضعیف می داند (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۵: ۱۰۱) همچنین روایت علوی منقول از پیامبر (ص): «لا صفر ولا هامة<sup>۳</sup> ولا یعدی سقیم صحیحا» را به خاطر وجود ثعلبه بن یزید الحماني ضعیف می داند.

این دسته از روایات معتبر نیستند چون:

۱. راوی این روایات ابوهیره است که مورد اعتماد نیست. روایت اخیر نیز به واسطه عبد الله بن عمرو بن عاص و رشدین بن سعید ضعیف السند است.

۲. مشکل دیگر این دسته از روایات انکار امکان سرایت بیماری هاست که قابل قبول نیست (در این باره نک: کریمیان، ۱۳۹۵: ۳-۲۵)

۳. در روایات بخاری از ابوهیره درباره نفی طیره، عبارت «العین حق» نیامده است. (بخاری، ج ۷، ص ۲۷)

۴. روایات نفی طیره از انس و ابن عمر نیز وارد شده که در آن عبارت «العین حق» نیامده است. (بخاری، ج ۷، ص ۲۷)

## ۳-۵. رد الهام و انبات چشم بد

این روایت به چند شکل نقل شده است.

<sup>۳</sup>. كانت العرب تزعم أن في البطن حية يقال لها الصفر تصيب الانسان وتؤذيه إذا جاع وأنها تعدى فأبطل الاسلام ذلك، .... والهامة: اسم طائر وذلك أنهم كانوا يتشاءمون بها وهي من طير الليل، وقيل هي البومة، وقيل غير ذلك. هيثمی، همان پانوشت ۲.

## روایت نخست

علی (بن مبارک) عن یحیی یعنی ابن ابي کثیر قال حدثني حية التميمي ان اياه أخبره انه سمع النبي صلى الله عليه وسلم يقول لا شئ في الهام والعين حق وأصدق الطير الفأل (ابن حنبل، بی تا: ج ۴: ۶۷ و ج ۵: ۷۰، طبرانی، بی تا: ج ۴: ۳۱ مقایسه شود با بخاری، ۱۴۰۶: ۱۹۵ و ضحاک، ۱۴۱۱: ۲: ۳۸۹-۳۹۰ که با لفظ «حبه» آورده اند)

البانی این روایت را ضعیف می داند (البانی، ۱۴۱۱: ۲۳۱) ترمذی درباره این حدیث می نویسد: «وحدیث حیه بن حابس حدیث غریب» (ترمذی، ۱۴۰۳: ۳: ۲۶۸، همچنین نک: أبو طالب القاضي، ۱۴۰۹: ۲۶۷-۲۶۵)

## روایت دوم

حدثنا أحمد بن عبد الوهاب ثنا أبو المغيرة ثنا عفیر بن معدان عن سليم بن عامر عن أبي أمامة أن النبي صلى الله عليه وسلم قال لا شئ في الهام والعين حق وأصدق الطير الفأل (طبرانی، بی تا: ج ۸: ۱۶۴)

هیثمی می نویسد در سند این روایت «عفیر بن معدان» آمده که ضعیف است (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۵: ۱۰۶).

## ۳-۶. چشم بد مهمترین عامل هلاکت

منابع اهل سنت از پیامبر (ص) چنین نقل کرده اند:

العين حق لتورد الرجل القبر والجمل القدر وإن أكثر هلاك أمتي في العين (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۴: ۴۳۹، با اختلافاتی اندک در: قاضی قضاعی، ۱۴۰۵: ج ۲: ۱۴۰)

در قرون بعدی این روایت وارد منابع شیعی نیز شد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶: ۱۷) علی بن ابی علی هاشمی راوی این حدیث به شدت تضعیف شده است (ابن حبان، بی تا: ج ۲: ۱۰۷، ابن عدی، ۱۴۰۵: ۱۸۴-۱۸۵، ذهبی: ج ۳: ۱۴۷-۱۴۸) بر این اساس سند این روایت ضعیف است.

## ۳-۷. علت اصلی مرگ مسلمانها

روایتی در طب الائمه چشم زخم را اصلی ترین عامل مرگ و میر مسلمانها می داند.

عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام أنه قال: لو نبش لكم عن القبور لرأيتم أن أكثر موتاكم بالعين، لأن العين حق، إلا أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: العين حق، فمن أعجب له من أخيه شئ فليذكر الله في ذلك، فإنه إذا ذكر الله لم يضره (ابن بسطام، ۱۴۱۱: ۱۲۱).

علاوه بر ضعف منبع (در این باره نک: اثباتی، منبع‌شناسی و اعتبار سنجی دعا‌های طبی، ۱۶-۱۷) سند روایت نیز به واسطه وجود محمد بن میمون مکی (۲۵۲ق) (ذهبی، ۱۴۱۸: ج ۲: ۳۸۱) و عثمان بن عیسی (نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۰۰) ضعیف و نامعتبر است. این مضمون در منابع اهل سنت نیز با سند ضعیف وارد شده است (بخاری، بی‌تا: ج ۴: ۳۶۰، عقیلی، ۱۴۱۸: ج ۲: ۲۳۱) اگر بپذیریم که دین اسلام تأثیر چشم زخم را به عنوان یک امر واقعی خارجی پذیرفته است، انتظار این است که با ارائه راهکارهایی در صدد رفع این آفت بوده و در نتیجه این آفت کاهش یابد نه اینکه این آفت باعث مرگ بیشتر امت شود.

### ۳-۸. چشم بد قله‌ها را فرو می‌ریزد.

احمد بن حنبل از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

عن ابن عباس عن النبي صلى الله عليه وسلم قال العين حق تستنزل الحالق (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۱: ۲۷۴ و ۲۹۴، طبرانی، بی‌تا: ج ۱۲: ۱۴۲)

این روایت به خاطر وجود دوید بصری در سند ضعیف است (بخاری، بی‌تا: ج ۳: ۲۵۱، هیثمی: ج ۵: ۱۰۷) سید رضی این روایت را بدون ذکر سند و احتمالاً از منابع اهل سنت از پیامبر نقل کرده است (سید رضی، بی‌تا: ۳۶۷-۳۶۹، همچنین نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶: ۱۷)

### ۳-۹. چشم بد فراتر از قدر

از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: «العين حق، ولو كان شيء سابق القدر سبقه العين، وإذا اغتسلتم فاغسلوا» (ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۳: ج ۱: ۱۶۹). ابن ابی جمهور احسائی این روایت را بدون منبع و سند نقل کرده و جستجوی در منابع نشان می‌دهد از منابع اهل سنت گرفته شده است که در منابع مختلف با اندکی تفاوت از ابن عباس نقل شده و بر مبنای اهل سنت صحیح است (مسلم، بی‌تا: ج ۷: ۱۴، بیهقی، بی‌تا: ج ۹: ۳۵۱، ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۳: ۴۷۳).

### ۳-۱۰. پناه بر خدا از چشم بد

ابن ماجه می‌نویسد:

حدثنا محمد بن بشار، ثنا أبو هشام المخزومي، ثنا وهيب عن أبي واقد، عن أبي سلمة بن عبد الرحمن، عن عائشة، قالت: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم «استعيذوا بالله، فإن العين حق (ابن ماجه، بی‌تا: ج ۲: ۱۱۵۹) به خدا پناه ببرید چرا که چشم زخم حق است.

حاکم نیشابوری با سند خود از وهیب از همین طریق این روایت را نقل کرده است و در نهایت مدعی شده که این روایت صحیح است ولی در صحیحین نیامده است (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴: ۲۱۵) در حالی که ابو واقد صالح بن محمد بن زائده اللیثی ضعیف است و بنا بر این روایت ضعیف شمرده می‌شود

(ابن ماجه، بی تا: ج ۲: ۱۱۵۹، پانوشت ۱) طبرانی نیز این روایت را با همین سند و با لفظ «استعیذی» نقل کرده و می نویسد این روایت را تنها ابو واقد از ابوسلمه روایت کرده و وهیب در نقل این روایت متفرد است (طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۶: ۱۰۷)

### ۱۱-۳. دفع چشم بد با طلب برکت

مکارم الاخلاق از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است: من أعجبه من أخيه شئ فليبارك عليه، فإن العين حق (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۸۶). بر این اساس بعد از دیدن نعمت شگفت انگیز باید به شخص تبریک گفت یا طلب برکت برای آن نعمت داشت (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶: ۲۵-۲۷). در منابع اهل سنت گزارش شده که عامر بن ربیع و سهل بن حنیف برای غسل کردن آماده می شوند وقتی عامر بدن سفید سهل را می بیند او را چشم می زند. پیامبر می فرماید اگر کسی چیز خوبی از برادرش دید برای او طلب برکت کند چون چشم زخم حق است. این گزارش از پنج طریق نقل شده است.

#### سند اول

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا وكيع ثنا أبي عن عبد الله بن عيسى عن أمية بن هند بن سهل بن حنيف عن عبد الله بن عامر قال انطلق عامر بن ربيعة سهل بن حنيف يريدان الغسل قال فانطلقا يلتمسان الخمر قال فوضع عامر جبة كانت عليه من صوف فنظرت إليه فأصبته بعيني فنزل الماء يغتسل قال فسمعت له في الماء قرقرة فاتيته فناديته ثلاثا فلم يجبني فاتيت النبي صلى الله عليه وسلم فأخبرته قال فجاء يمشى فخاض الماء كأني أنظر إلى بياض ساقيه قال فضرب صدره بيده ثم قال اللهم اذهب عنه حرها وبردها ووصيها قال فقام فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا رأى أحدكم من أخيه أو من نفسه أو من ماله ما يعجبه فليبركه فان العين حق (ابن حنبل، بی تا: ۳، ۴۴۷)

سهل بن حنیف انصاری (م ۳۸ق) در پیمان برادری با امام علی (ع) برادر شد بعد از ماجرای عثمان نیز از امام علی حمایت کرده در جمل و صفین در رکاب امام بود و زمانی از طرف امام به عنوان حاکم بصره منصوب شد، سیر اعلام النبلاء، ذهبی: ج ۲: ۳۲۸) عامر بن ربیع از مهاجران و مصاحب عمر بود و در جاهلیت عمر او را عامر بن خطاب می خواند. وقتی عثمان به حج رفت او را در مدینه به جای خویش گمارد. پسرش عبد الله نیز مصاحب خلیفه دوم بود (ابن سعد، بی تا: ج ۲: ۳۸۴؛ ج ۳: ۲۷۹، ۳۲۴، ۳۶۰)

حاکم نیشابوری با سند خود از «وکیع بن الجراح» همین روایت را گزارش کرده و می نویسد: «هذا حديث صحيح الاسناد ولم يخبراه» (حاکم نیشابوری، بی تا: ۴: ۲۱۵-۲۱۶).

جراح بن ملیح پدر وکیع و راوی این حدیث است. عباس بن محمد دوری گوید از یحیی بن معین درباره جراح بن ملیح پرسیدم و گفت «نقه» است (ابن معین، بی تا: ۱، ۱۹۶) اما ابن ابی خيثمه گوید

از یحیی بن معین شنیدم که او را ضعیف الحدیث دانسته‌است و برخی دیگر بیان کرده‌اند که حدیثش نوشته می‌شود ولی بدان احتجاج نمی‌شود (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱: ج ۲: ۵۲۳) ابن حبان می‌نویسد او اسناد را دگرگون می‌کرد و روایات مرسل را به صورت روایات مرفوع و متصل نقل می‌کرد و یحیی بن معین چنین می‌پنداشت که او حدیث جعل می‌کرد (ابن حبان، بی‌تا: ج ۱: ۲۱۹) از ابن سعد نقل شده که در حدیث او را ضعیف می‌دانست و طیالسی از یحیی بن معین نقل کرده که هیچ روایتی از وکیع از طریق پدرش ننوشتیم (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۷: ۲۶۱) از دارقطنی نقل شده که او را «کثیر الوهم» دانسته و در امر حدیث نامعتبر شمرده‌است. او مدتی از طرف هارون به عنوان مسئول بیت المال بغداد گماشته شد و در سال ۱۷۵ از دنیا رفت (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۱: ۱۰۷ و ۲۶۲، ابن سعد، بی‌تا: ج ۶: ۳۸۰)

از سویی این روایت مخالف همه گزارشهای دیگری است که از ابن ماجرا نقل شده‌است چون بر اساس این گزارش سهل، عامر را چشم زده‌است اما در گزارشهای دیگر عامر سهل را چشم زده‌است. بر این اساس سند روایت اول ضعیف است.

#### سند دوم

حدثنا أبو بكر قال حدثنا معاوية بن همام (هشام) <sup>۴</sup> قال حدثنا عمار بن رزيق عن عبد الله بن عيسى عن أمية بن هند عن عبد الله بن عامر بن ربيعة عن أبيه قال: انطلقت أنا وسهل بن حنيف نلتمس الخمر فوجدنا خمرا وغديرا، وكان أحدنا يستحي أن يغتسل وأحد يراه، فاستتر مني حتى إذا رأی أن قد فعل نزع جبة عليه من كساء، ثم دخل الماء، فنظرت إليه فأعجبني خلقه، فأصبته منها بعين، ..... فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إذا رأى أحدكم من نفسه أو ماله أو أخيه ما يعجبه فليدع بالبركة فإن العين حق». (المصنف-ابن أبي شيبة الكوفي: ۵: ۴۴۷، ابو يعلى، ج ۱۳: ۱۵۲-۱۵۳)

بخش پایانی سند از عبد الله بن عیسی به بعد با سند قبلی مشترک است و متن نیز اختلافات اندکی با گزارش قبلی دارد.

نسائی با اندکی اختلاف در لفظ این روایت را از احمد بن سلیمان از معاویه به هشام از عمار بن زریق نقل کرده‌است (نسائی، ۱۳۴۸: ج ۶: ۲۵۶) ابن ماجه با همین سند فقط عبارت «العين حق» را نقل کرده‌است (ابن ماجه، بی‌تا: ج ۲: ۱۱۵۹) حاکم هم با همین سند بخش روایت نبوی را نقل کرده‌است (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴: ۲۱۵)

عثمان بن سعید دارمی (۲۰۰-۲۸۰ هـ) گوید از یحیی بن معین (۱۵۸-۲۳۳ هـ) درباره امیه بن هند سوال کردم و گفت او را نمی‌شناسم (ابن معین، بی‌تا: ۷۰) رجالیان دیگر نیز اطلاعاتی از او نداشته و به همین پرسش و پاسخ اشاره کرده‌اند (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱: ج ۲: ۳۰۱، مزی، ۱۴۰۶: ج ۳: ۳۴۱)

<sup>۴</sup> در نسخه ابویعلی

هیشمی درباره او می‌نویسد: «هو مستور ولم يضعفه أحد» (هیشمی، ۱۴۰۸: ۵: ۱۰۸) تنها ابن حبان بدون هیچ توضیحی نام او را در کتاب الثقات آورده است (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۴: ۴۱) بر این اساس روایت ضعیف السند است شاید به همین دلیل بخاری روایت امیه بن هند درباره ماجرای چشم زخم را شنیده و در تاریخ خود به آن اشاره کرده است با این وصف آن را در کتاب الجامع الصحيح ذکر نکرده است (بخاری، بی‌تا: ۲: ۹).

#### سند سوم

... أخبرني يوسف بن طهمان عن محمد بن أبي أمامة بن سهل بن حنيف انه سمع أباه يقول اغتسل أبي سهل بن حنيف فنزع جبة كانت عليه يوم حنين حين هزم الله العدو وعامر بن ربيعة ينظر قال وكان سهل رجلا ابيض حسن الخلق فقال له عامر بن ربيعة ما رأيت كالיום قط ونظر إليه فأعجبه حسنه حين طرح جبته فقال ولا جارية في سترها بأحسن جسدا من جسد سهل بن حنيف فوعك سهل مكانه واشتد وعكه فأتني رسول الله صلى الله عليه وآله فأخبره ان سهل بن حنيف وعك وأنه غير رائع معك فاتاه رسول الله صلى الله عليه وآله فأخبروه بالذي كان من شأن عامر فقال رسول الله صلى الله عليه وآله على ما يقتل أحدكم أخاه الا برکت ان العین حق توضع له ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله إذا رأى أحدكم شيئا يعجبه فليبرك فان العین حق \* هذه الزيادات في الحديثين جميعا مما لم يخرجاه (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ۳: ۴۱۰-۴۱۲)

محمد بن ابی امامة بن سهل بن حنيف توثيق شده (مزى، ۱۴۰۶: ۲۴: ۵۰۲) اما درباره يوسف بن طهمان گفته‌اند «واه، احاديثش واهى است» ابن حبان نامش را در ثقات آورده ولی بخاری، عقیلی و ابن عدي او را در زمره ضعفا دانسته‌اند (ابن حجر، ۱۳۹۰: ۶: ۳۲۴) عقیلی می‌نویسد: «يوسف بن طهمان مولى آل معاوية ولا يتابع عليه» (عقیلی، ۱۴۱۸: ۴: ۴۴۹)

سند روایت ضعیف است

#### سند چهارم

حدثني يحيى عن مالك، عن محمد بن أبي أمامة بن سهل بن حنيف، أنه سمع أباه يقول: اغتسل أبي، سهل بن حنيف، بالخرار فنزع جبة كانت عليه. وعامر بن ربيعة ينظر. قال وكان سهل رجلا أبيض حسن الجلد قال فقال له عامر بن ربيعة: ما رأيت كالיום. ولا جلد عذراء. قال فوعك سهل مكانه. واشتد وعكه. فأتني رسول الله صلى الله عليه وسلم فأخبر: أن سهلا وعك. وأنه (يغر) غير رائع معك يا رسول الله. فاتاه رسول الله صلى الله عليه وسلم. فأخبره سهل باذن كان من شأن عامر. فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم (علام يقتل أحدكم أخاه؟) ألا برکت. إن العین حق. توضع له عامر. فراح سهل مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ليس به بأس. (مالك بن انس، ۱۴۰۶: ۲: ۹۳۸)

مالک در ادامه همین روایت را با اندکی اختلاف در الفاظ با سند زیر آورده است:

«مالك، عن ابن شهاب، عن أبي أمامة بن سهل بن حنيف، أنه قال: رأى عامر بن ربيعة سهل بن حنيف يغتسل.» (مالک: ج ۲: ۹۳۹) در این روایت عبارت «العین حق» نیامده است.

در این دو روایت ابو امامه راوی حدیث است که در این صورت حدیث مرسل خواهد بود چنان که فواد عبدالباقی در تعلیقاتش بر موطن اشاره کرده است و توضیح داده که ابو امامه این روایت را از پدرش شنیده است و در بعضی از طرق این روایت به نام پدر تصریح شده است. (همان) ابن حبان با سند خود از مالک چنین آورده است «عن مالك عن محمد بن أبي أمامة بن سهل بن حنيف انه سمع أباه أبا أمامة يقول اغتسل أبي سهل بن حنيف بالخرار.....» (ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۳: ۴۶۹-۴۷۰) بی‌هقی با سند خود از مالک با اندکی اختلاف در الفاظ روایت را نقل کرده است (نسائی، ۱۳۴۸: ج ۴: ۳۸۰-۳۸۱) همچنین نک: با اختلافاتی در الفاظ: طبرانی، بی تا: ۶: ۸۲) در این گزارشها که از مالک و با همین سند نقل شده است تعبیر «انه سمع أباه أبا أمامة يقول» مشکل ارسال را برطرف می‌کند. ابن عبدالبر بعد از نقل این روایت می‌نویسد در این روایت کیفیت غسل نیامده است و کیفیت غسل جزء روایت نیست (ابن عبد البر، ۲۰۰۰م: ج ۸: ۳۹۹-۴۰۰)

#### سند پنجم

این روایت با اندکی اختلاف در متن از طرق گوناگون نقل شده است. طبرانی آن را از محمد بن شهاب زهری و مسلمة بن خالد الأنصاري و عبد الله بن أبي حبيبة از ابو امامة بن سهل بن حنيف از پدرش نقل کرده است (طبرانی، بی تا: ج ۶: ۷۸-۸۳) همچنین نک: حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۳: ۴۱۰-۴۱۱) او به ضعف برخی از این روایات اشاره می‌کند.

محمد بن شهاب زهری از محدثان اهل سنت و متمایل به امویان است برخی از رجالیان شیعه با توجه به روایات محبت او نسبت به امام سجاد (ع) او را توثیق کرده‌اند (خوئی، ۱۴۱۳: ج ۱۷: ۱۸۹-۱۹۰، شوشتری، ۱۴۱۹: ج ۹: ۳۲۹-۳۳۱) ابن ابی الحدید نام او را در زمره منحرفین از امام علی (ع) ذکر کرده است (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۴: ۱۰۲) و روایاتی در ذم امام (ع) ۱۲۴: ج ۶: ۴۴ و تمایل به بنی امیه (همان: ج ۹: ۱۷) از او نقل شده است. برخی دیگر با توجه به روایاتی که از او در بدگویی از امام علی (ع) گزارش شده است او را تضعیف کرده‌اند (ابوعلی حائری، ۱۴۱۶: ج ۶: ۸۱)

مسلمة بن خالد الأنصاري ناشناخته است (ذهبی، ۱۴۱۸: ج ۲: ۴۰۵، ابن حجر، ۱۳۹۰: ج ۶: ۳۳) عبد الله بن أبي حبيبة که از ابو امامه روایت می‌کند، توثیق یا تضعیفی ندارد. فرد دیگری به نام عبد الله بن أبي حبيبة انصاری مولی آل سفیان در زمره صحابه است که در کودکی پیامبر را در مسجد قبا دیده است (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱: ج ۴۲)

بر این اساس سند پنجم نیز ضعیف است.



۳. بر اساس آنچه در روایت آمده افراد زیادی شاهد این ماجرا بوده‌اند و انگیزه نقل آن هم بسیار بود چون شورچشمی یک مسلمان، فردی را در معرض قتل قرار داده بود و پیامبر شخصا برای نجات آن شخص اقدام کرده بود با این وصف این روایت را تنها دو نفر از نوادگان سهل بن حنیف نقل کرده‌اند.

۴. در این روایت پیامبر (ص) از مردم سوال می‌کند که چه کسی را متهم به چشم زدن سهل می‌کنید و آنها عامر بن ربیع را متهم می‌کنند. با توجه به اینکه چشم زخم امری آشکار نیست چگونه می‌توان شخصی را متهم به آن کرد و این روایت در مخالفت با آیات قرآن و روایاتی است که از تمسک به ظن و گمان نهی کرده‌است و برخی از گمان‌ها را گناه دانسته‌است.

۵. حاکم نیشابوری، ابو داود سجستانی و احمد بن حنبل از سهل بن حنیف نقل کرده‌اند که سهل غسل کرد و مبتلا به تب شد و پیامبر فرمود به ابائابث بگوئید که صدقه دهد (یا تعویذی استفاده کند) و در آن سخنی از چشم زدن توسط عامر بن ربیع و نجات توسط پیامبر نیست. این روایت را فرزندان و نوه‌های سهل بن حنیف نقل نکرده‌اند بلکه دیگران از سهل بن حنیف نقل کرده‌اند. حاکم سند روایت را صحیح دانسته و ذهبی نیز سخن حاکم را تایید کرده‌است. (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۲: ۳۲۶) به نظر می‌رسد تنها در گزارشهایی که نوه‌های سهل بن حنیف نقل کرده‌اند عامر بن ربیع متهم به چشم زدن سهل است و حتی خودش هم به آن اعتراف کرده‌است. بر اساس آنچه گذشت روایت قابل اعتماد نیست.

### ۳-۱۲. تعویذ حسنین (علیهما السلام)

ابن طاووس از منابع اهل سنت دعایی برای درمان چشم زخم نقل کرده‌است (ابن طاووس، ۱۴۱۲: ۹۲-۹۳، اتان کلبرک، ۱۳۷۱: ۱۶۸). ابن عساکر این حدیث را چنین گزارش کرده‌است:

... عن أبي رجا عن شعبة عن أبي إسحاق عن الحارث عن علي عليه السلام أن جبريل أتى النبي (صلى الله عليه وسلم) فوافقه مغتما فقال يا محمد ما هذا الغم الذي أراه في وجهك قال الحسن والحسين أصابتهما عين قال صدق بالعين فإن العين حق أفلا عوذتھما بهؤلاء الكلمات قال وما هن يا جبريل قال قل الله ذا السلطان العظيم ذا المن القديم ذا الوجه الكريم ولي الكلمات التامات والدعوات المستجابات عاف الحسن والحسين من أنفس الجن وأعين الإنس فقالها النبي (صلى الله عليه وسلم) فقاما يلعبان بين يديه فقال النبي (صلى الله عليه وسلم) عوذوا أنفسكم ونساءكم وأولادكم بهذا التعویذ فإنه لم يتعوذ المتعوذون بمثله. (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۲۴: ۴۶۰-۴۶۱)

جبرئیل روزی نزد پیامبر آمد و او را غمگین دید. پرسید ای محمد این غمی که در چهره ات می‌بینم چیست؟ فرمود: حسن و حسین به چشم زخم مبتلا شده‌اند. جبرئیل فرمود. چشم زخم را تصدیق کن چون چشم زخم حق است. آیا آنها را به این کلمات تعویذ نکرده‌ای. فرمود آنها کدام کلمات هستند ای

جبرئیل؟ گفت بگو: خدا صاحب سلطان بزرگ: صاحب منت قدیم، دارای وجه کریم، ولی کلمات تمام و دعاهای مستجاب، حسن و حسین را از انفس جن و چشم انسانها عافیت ده. پس پیامبر اینها را گفت. پس برخاستند و شروع به بازی در پیش پیامبر کردند. پیامبر فرمود: خودتان و زنانان و کودکانتان را با این تعویذ در امان نگاه دارید زیرا که تعویذ کنندگان به چیزی مانند این تعویذ نکرده‌اند. این روایت را تنها ابو رجاء محمد بن عبد الله (عبید الله) الحنظلی (الحنطی، الحبطی) که از اهالی تستر بوده از شعبه نقل کرده و از این رو غریب و منفرد دانسته شده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۲۴: ۴۶۱-۴۶۰، خیثمة بن سلیمان، بی تا: ۲۰۴، متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۰۸: ۱۰۸) بیهقی، ابن حبان و سیوطی، ابو رجاء را تضعیف کرده‌اند و بیان می‌کنند که روایاتی را که ثابت نشده از افراد ثقه نقل می‌کند و روایات منقول از او را ضعیف می‌دانند (مناوی، بی تا: ج ۱: ۴۴۳) بر این اساس روایت نه تنها غریب بلکه ضعیف نیز شمرده می‌شود. از سوی پیامبر (ص) بر اساس آنچه در این روایت آمده علت ابتلای حسنین (ع) را چشم زخم دانسته‌است از این رو دلیلی ندارد که جبرئیل می‌گوید چشم زخم را تصدیق کن چون حق است.

در منابع شیعی گزارش شده که پیامبر (ص) دعایی را به عنوان رقیه برای حسنین (ع) می‌خواند. در این گزارشها سخنی از ابتلای حسنین (ع) به چشم زخم و تعویذ جبرئیل نیامده تنها در بخشی از دعا عبارت «وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لَامِيَةٍ» آمده‌است که روایتی دیگر «الْأَلَمَّةُ» را به معنای «لَمَمُ الشَّيَاطِينِ، آسیب‌های ناشی از شیاطین» معنا کرده‌است (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲: ۵۶۹. صدوق، بی تا، ج ۱: ۴۷۰).

### ۳-۱۳. حقانیت چشم زخم و رسالت حضرت محمد (ص)

ابن ابی الحدید می‌نویسد در حدیث عایشه آمده که «العین حق کما أن محمدا حق» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۱۹: ۳۷۲) این روایت در منبع دیگری یافت نشد و ابن ابی الحدید نیز سند و منبعی برای سخنش نیآورده‌است از این رو قابل اعتماد نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## جدول وضعیت سند و منبع روایات «العين حق»

| متن حدیث    | صحابی<br>یا امام | سند   | منبع حدیث               |
|-------------|------------------|---|-------------------------|
| اعتبار حدیث |                  |   |                         |
| ضعیف        | ابوهریره         | عمرو - منیخ - سالم                                | تاریخ دمشق              |
| ضعیف        | ابوهریره         | عبد الرزاق - معمر - همام بن منبه                  | المصنف صنعانی           |
| ضعیف        | ابوهریره         | ابن نمیر - ثور - مکحول                            | مسند احمد               |
| ضعیف        | -                | بدون سند از امام علی (ع)                          | نهج البلاغه             |
| ضعیف        | امام صادق (ع)    | موسی بن اسماعیل - ابیه امام                       | جعفریات و دعائم الاسلام |
| ضعیف        | ابوهریره         | ابن علیة - الجریری - المضارب                      | المصنف ابن ابی شیبة     |
| ضعیف        | ابوهریره         | معروف - علی بن ریاح                               | مسند احمد               |
| ضعیف        | ابوهریره         | أبو معشر - محمد بن قیس                            | مسند احمد               |
| ضعیف        | عبد الله بن عمرو | رشدین - الحسن - هشام                              | مسند احمد               |
| ضعیف        | حابس             | علی بن مبارک - یحیی - حیاة بن حابس                | مسند احمد               |
| ضعیف        | ابو امامة        | أبو المغيرة - عفر بن معدان - سلیم بن عامر         | معجم الکبیر طبرانی      |
| ضعیف        | جابر             | علی الهاشمی - محمد بن المنکدر                     | تفسیر ابن کثیر          |
| ضعیف        | امام صادق (ع)    | عثمان - حسین بن مختار - صفوان - امام صادق (ع)     | طب الائمة               |
| ضعیف        | ابن عباس         | دوید - اسماعیل - جابر بن زید                      | مسند احمد               |
| صحیح        | ابن عباس         | وهیب - ابن طاوس - طاوس                            | صحیح مسلم               |
| ضعیف        | عائشة            | وهیب - أبو واقد - ابو سلمة                        | سنن ابن ماجه            |
| ضعیف        | امام صادق (ع)    | بدون سند از امام صادق (ع)                         | مکارم الاخلاق           |
| ضعیف        | عامر بن ربیعہ    | عبد الله بن عیسی - أمیة - عبد الله بن عامر        | مسند احمد               |
| ضعیف        | عامر بن ربیعہ    | عبد الله بن عیسی - أمیة بن هند - عبد الله بن عامر | المصنف - ابن ابی شیبة   |
| ضعیف        | سهل بن حنیف      | یوسف بن طهمان - محمد - ابی امامة                  | مستدرک حاکم             |
| ضعیف        | سهل بن حنیف      | مالک - محمد - ابی امامة                           | موطا مالک               |
| ضعیف        | سهل بن حنیف      | زهری و مسلمة و عبد الله بن ابی حبیبة از ابو امامة | معجم طبرانی             |
| ضعیف        | علی (ع)          | شعبة - ابی إسحاق - الحارث -                       | تاریخ دمشق              |
| ضعیف        | عایشه            | ابن ابی الحدید بدون سند                           | شرح نهج البلاغه         |

## نتایج

۱. منشا اصلی روایت «العين حق» منابع اهل سنت است و شیعیان نیز این روایت را از اهل سنت نقل کرده‌اند.

روایت «العين حق» در منابع مهم حدیثی اهل سنت مانند موطا مالک، مسند احمد، صحیح مسلم، مصنف صنعانی و ... نقل شده‌است و از نظر اهل سنت مقبول است.

۲. روایت «العين حق» به سیزده شکل در منابع روایی فریقین نقل شده‌است. ۴ روایت از طریق ابوهریره نقل شده‌است، ۲ روایت به ابن عباس و ۲ روایت به عایشه منتسب شده‌است.

۳. ۷ روایت برای اولین بار در مسند احمد، آمده است و در منابعی مانند مصنف ابن ابی شیبه، تاریخ دمشق، و معجم کبیر طبرانی هر کدام دو روایت برای نخستین بار آمده است و در منابع دیگر یک روایت آمده است.

۴. ۱۱ طریق از اسناد سیزده گانه روایت بر اساس مبانی رجالی شیعه و اهل سنت ضعیف هستند. یک روایت بر اساس مبانی رجالی شیعه و به خاطر وجود ابوهریره ضعیف است اما از نظر اهل سنت ابوهریره به خاطر صحابی بودن عادل است. یک روایت دیگر هم بر اساس مبانی رجالی اهل سنت صحیح است که اگر توثیقات اهل سنت را بپذیریم این روایت از نظر سندی موثق و در غیر این صورت ضعیف شمرده می شود.

۵. با توجه به اینکه باور به چشم زخم در سنت یهودی پذیرفته شده بود و در میان عربهای جاهلی نیز کاملاً رایج بود احتمال تأثیر پذیری مسلمانان از آن وجود دارد به ویژه آنکه ابوهریره و عمرو بن عاص که از راویان روایت «العین حق» هستند از راویان اسرائیلیات به شمار می روند.



## منابع

- ابن ابی الحدید. عبد الحمید بن هبة الله (۱۳۷۸ق)، شرح نهج البلاغه. بیروت: دار احیاء الکتب العربیة.
- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). عوالی اللثالی. قم: بی‌نا.
- ابن ابی حاتم رازی، عبد الرحمن. (۱۳۷۱) الجرح و التعديل. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- ابن ابی شیبہ، عبد الله بن محمد. (۱۴۰۹). المصنف. دارالفکر. بیروت:
- ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۴ش). النهاية في غريب الحديث. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ابن بسطام، عبد الله و حسین، (۱۴۱۱). طب الائمة (ع). انتشارات رضی. قم.
- ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی. (۱۳۸۶). الموضوعات. مدینه: المكتبة السلفية.
- ابن حبان، (۱۳۹۳ق). کتاب الثقات، حیدرآباد، مؤسسة الکتب الثقافیة.
- ابن حبان بستنی، محمد. (بی تا). کتاب المجروحین. بی‌نا.
- ابن حبان، (۱۴۱۴). صحیح ابن حبان. مؤسسة الرسالة.
- ابن حجر (۱۳۹۰ق). لسان المیزان. بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی الف (۱۴۱۵ق). الاصابه فی معرفه الصحابه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حجر، ب (۱۴۱۵). تقریب التهذیب. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حنبل، احمد. (بی تا). المسند. بیروت: دار صادر.
- ابن سعد، محمد. (بی تا) الطبقات الکبری. بیروت: دار صادر.
- ابن طاووس، (۱۴۱۲). المجتنی من دعاء المجتبی. مشهد: بی‌نا.
- ابن عبد البر، (۱۴۱۲ق). الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، بیروت: دارالجيل.
- ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله. (۲۰۰۰م). الاستذکار. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عدی، ابو احمد عبد الله، (۱۴۰۵ق) الكامل فی ضعفاء الرجال، بیروت: دارالفکر.
- ابن عساکر، علی بن الحسن. (۱۴۱۵ق). تاریخ مدینة دمشق. بیروت: دارالفکر.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل. (۱۴۱۲ق). تفسیر ابن کثیر. بیروت: دار المعرفة.

- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید. (بی تا). السنن. بیروت: دارالفکر.
- ابن معین، یحیی، (بی تا). تاریخ ابن معین بروایه الدوری. بیروت: دارالقلم.
- ابن نجار، محمد بن محمود (۱۴۱۷ق). ذیل تاریخ بغداد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابو داود، سلیمان بن الأشعث. (۱۴۱۰ق). سنن ابی داود. بیروت: دارالفکر.
- ابو ریه، محمود، (بی تا) الف، أضواء علی السنة المحمدیه، نشر البطحاء.
- ابو ریه، محمود، (بی تا)، شیخ المضیره أبو هریره، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- أبو طالب القاضي (۱۴۰۹ق). علل الترمذی الکبیر، بیروت: عالم الکتب.
- ابو علی الحائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۶ق). منتهی المقال، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- ابو یعلی الموصلی (بی تا). مسند ابو یعلی. دار المأمون للتراث.
- اتان کلبرک؛ (۱۳۷۱ش). کتابخانه ابن طاووس؛ ترجمه: قرائی، سید علی و جعفریان، رسول؛ قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- اثباتی، اسماعیل، (۱۳۹۹ش). متبع شناسی و اعتبار سنجی دعاهاى طبی، سراج منیر، دوره ۱۱ (پیاپی ۳۹)، ص ۹-۳۴.
- اثباتی، اسماعیل، (۱۴۰۴ش). بررسی مبانی روایی باور به چشم زخم در روایات شیعه، فصلنامه علوم حدیث، دوره ۳۰، ص ۱۲۳-۱۵۱.
- البانی، محمد ناصر. (۱۴۱۱ق). ضعیف سنن الترمذی. بیروت: المکتب الاسلامی.
- بخاری (۱۴۰۶ق)، الأدب المفرد. بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ق). صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (بی تا). التاریخ الکبیر. المکتبة الإسلامیة. ديار بكر.
- بیهقی، احمد بن حسین. (بی تا). السنن الکبری. بیروت: دارالفکر.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق)، السنن. بیروت: دارالفکر.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله. (بی تا). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دار المعرفة.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۱۷ق). تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحديث. مركز نشر فرهنگ اسلامى.
- خیثمة بن سلیمان الأطرابلسی (بی تا). حدیث خیثمة. بی تا. نسخه مکتبه اهل البيت (ع) داندس، آلن، (۱۳۹۹ش). چشم زخم، ترجمه: ابراهیمی، معصومه، تهران، نشر چشمه.
- ذهبی، شمس الدین (۱۳۸۲). میزان الاعتدال. تحقیق: علی محمد البجاوی. بیروت: دار المعرفه. — (۱۴۱۸). المغنی فی الضعفاء. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- (۱۴۱۳ق). سیر اعلام النبلاء. بیروت: مؤسسه الرساله.
- سید رضی، محمد بن حسین. (بی تا). مجازات النبویه. تحقیق: طه محمد الزینی. قم: مکتبه بصیرتی.
- سید رضی، محمد بن حسین، ۱۳۸۷ق نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، بیروت.
- سید شرف الدین موسوی، سید عبدالحسین (۱۳۷۷ش)، ابوهزیره. قم: انصاریان.
- شوشتری، محمد تقی. (۱۴۱۹ق). قاموس الرجال. قم: نشر اسلامى.
- شیخ عباس قمی (بی تا). الکنی و الالقاب. تهران، مکتبه الصدر.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال. تصحیح: علی اکبر غفاری.
- (بی تا). من لایحضره الفقیه. قم: نشر اسلامى.
- صنعانی، عبدالرزاق. (بی تا). المصنف. تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی. بی جا.
- ضحاک، احمد بن عمرو (۱۴۱۱ق). الاحاد والمثانی. دار الدراية.
- طباطبایی، محمد حسین. (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات اسلامى.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد (۱۴۱۷ق)، مسند الشامیین، بیروت: مؤسسه الرساله.
- طبرانی، (۱۴۱۵ق)، المعجم الاوسط، دار الحرمین.
- طبرانی، (بی تا). المعجم الكبير. دار احیاء التراث العربی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۹۲ق). مکارم الاخلاق، منشورات الشریف الرضی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عسکری، حسن بن عبد الله (۱۴۰۲ق). تصحیفات المحدثین. قاهره: المطبعة العربیة الحدیث.
- عقیلی، محمد بن عمرو. (۱۴۱۸ق). الضعفاء الكبير. بیروت: دار الکتب العلمیه.

- فخر رازی، محمد بن عمر. (بی تا). تفسیر کبیر رازی (مفاتیح الغیب). بی جا: بی نا.
- قاضی قضاعی، محمد بن سلامه. (۱۴۰۵ق). مسند الشهاب. بیروت: الرسالة.
- قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمد. (۱۹۶۳م). دعائم الاسلام. قاهرة: دارالمعارف.
- کنانی، علی بن محمد (بی تا). تنزیه الشریعة المرفوعة عن الأخبار الشنیعة الموضوعة. مكتبة القاهرة.
- کریمیان، محمود. (۱۳۹۵ش). «حدیث لاعدوی، انتساب و مفهوم شناسی»، علوم حدیث، شماره ۷۹، بهار ۱۳۹۵: ۳-۲۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ش). الکافی. تهران: اسلامیة.
- مالک بن انس. (۱۴۰۶ق). الموطا. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- متقی هندی، علاءالدین علی. (۱۴۰۹). کنز العمال. بیروت: موسسه الرسالة.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: الوفاء.
- محمد بن اشعث کوفی، (بی تا). الجعفریات، تهران، مكتبة نینوی الحدیثة.
- مزی، یوسف. (۱۴۰۶). تهذیب الکمال. بیروت: الرسالة.
- مسلم بن حجاج نیشابوری، (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: دارالفکر.
- مغلطای بن قلیچ (۱۴۲۲ق). اکمال تهذیب الکمال، الفاروق الحدیثه.
- ملاحسنی، علیرضا، (۱۳۹۰ش) چشم زخم در قرآن، روایات، تاریخ و فرهنگ. قم: بوستان کتاب.
- مناوی، (بی تا). الفتح السماوی بتخریج أحادیث القاضي البیضاوی. الرياض: دار العاصمة.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق). رجال النجاشی. قم: انتشارات اسلامی.
- نسائی، احمد بن شعیب. (۱۳۴۸ق). السنن، بیروت: دارالفکر.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل، بیروت: آل البيت علیهم السلام.
- نووی، محیی الدین بن شرف. (بی تا). المجموع شرح المذهب، بیروت: دار الفکر.
- هیثمی، نور الدین علی بن ابی بکر. (۱۴۰۸ق). مجمع الزوائد. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- وسترمارک، ادوارد. (۱۳۹۶ش). بازمانده‌هایی از فرهنگ دوران جاهلی در تمدن اسلامی. ترجمه: بلوکباشی. علی. تهران: فرهنگ جاوید.